

واکاوی ضوابط قرآنی اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده

زینب سنچولی*

چکیده

«خانواده» یکی از مهم‌ترین ارکان اساسی جامعه به‌شمار می‌آید که سلامت، استحکام و پایداری آن، نقش بسزایی در سلامت آحاد جامعه ایفا می‌کند؛ بر همین اساس مبتنی بر شأن نزول آیات مربوط به قاعده لاضرر، یکسری ملاک‌ها از آیات قرآن استخراج می‌گردد که مبنای عمل در حوزه خانواده قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که تعدی از این ملاک‌ها چالش‌های اساسی در حوزه خانواده را به دنبال دارد و ضروری می‌نماید که با شناسایی و ارائه راهکار برای حل این چالش‌ها، قدم مؤثری در جهت ثبات و پایداری خانواده برداشت. در پژوهش حاضر که به‌روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، این نتایج حاصل شد که مبتنی بر شأن نزول آیات، هم در مرحله تشکیل خانواده و هم در مرحله حیات و انحلال آن، بروز برخی رفتارها از سوی اعضای خانواده، مصداق ورود ضرر بر دیگر اعضای خانواده می‌شود که شناسایی این ضررها و استخراج ضوابط قوی و منطقی از آیات و روایات قاعده لاضرر، می‌تواند در حوزه قانونگذاری احکام جدید مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: ملاک‌های قرآنی، قاعده لاضرر، منع اضرار، شأن نزول آیات، خانواده.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران (zsanchooli@iau.ac.ir).

مقدمه

قاعده «لاضرر» یکی از پُرکاربردترین قواعد درباره ابواب فقهی است که سند و قاعده بالادستی نسبت به دیگر قوانین و احکام محسوب می‌شود و نقش حکومت بر دیگر قوانین دارد. این قاعده، برگرفته از حدیث نبوی «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۵/ انصاری، ۱۳۷۴، ج ۲، ۵۳۳/ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۴۲) می‌باشد که مبتنی بر آن، هیچ‌کس مجاز به ضررزدن بر دیگری نیست. این رویه مورد قبول عقلای عالم نیز می‌باشد. آنان معتقدند اگر کسی به دیگری ضرری وارد کرد، موظف به جبران آن ضرر می‌باشد. اکنون یکی از حوزه‌های کاربردی این قاعده، احکام خانواده است که مبتنی بر شأن نزول آیات اِعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده، چالش‌هایی در حوزه خانواده مطرح می‌شود که برخی از این چالش‌ها به پیش‌ازدواج و تشکیل خانواده، برخی چالش‌ها به حیات و استحکام خانواده و برخی چالش‌ها به انحلال نکاح و زندگی خانوادگی مربوط می‌باشد. از آنجاکه هر نوع ضرری در حوزه خانواده نمی‌تواند ملاک قانونگذاری احکام قرار گیرد، شایسته است با مراجعه به آیات قرآن کریم و تأمل در شأن نزول آیات، به استخراج ضابطه قوی و منطقی پرداخت؛ ضابطه‌ای که بتواند ملاک قانونگذاری احکام جدید قرار گیرد و مبتنی بر آن، با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی، از بروز برخی رفتارهای ضرری در حوزه خانواده جلوگیری شود تا از این راه، گامی در جهت استحکام و حفظ کیان خانواده برداشته شود.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که ضوابط اِعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده، مبتنی بر شأن نزول آیات چیست؟ فرضیه اصلی پژوهش در پاسخ به پرسش مذکور این است که ملاک‌های کلی مستخرج از آیات و روایات از جمله رعایت مصلحت کودک، رعایت اعتدال در روابط درون خانوادگی، حُسن معاشرت زوجین با یکدیگر و برآورده کردن نیازهای مشروع و قانونی یکدیگر، تأمین نفقه و مسکن مناسب برای زنان مطلقه در زمان عدّه رجعی و... ضابطه اِعمال قاعده لاضرر در احکام خانواده قرار می‌گیرند.

در پیشینه تحقیق باید گفت اگرچه در مورد قاعده لاضرر در حوزه خانواده، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، ولی جنبه نوآوری تحقیق در این است که با استخراج ضوابط و مناطها از آیات قرآن، در فرآیند تشکیل خانواده، حیات و انحلال آن، مبتنی بر شأن نزول آیات قاعده لاضرر،

رفتارهایی که می‌تواند مصداق ضرر در حوزه خانواده باشد، شناسایی می‌شود تا ضمن شناسایی این رفتارها، زمینه برای بازنگری در قوانین و قانونگذاری جدید فراهم شود و در سایه فقه پویا و تأثیر زمان و مکان در اجتهاد، بتوان از دریچه‌ای نو به مسائل نگریست.

۱. منظور از ضابطه

منظور از «ضابطه» یعنی تبیین یک قاعده و ملاک کلی که قابل انطباق بر مصداق جزئی باشد. گاهی ضابطه، یک قاعده فقهی است؛ یعنی فرمول‌های کلی که منشأ انطباق بر قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند؛ مانند قاعده لاضرر (محقق داماد، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲).

۱-۱. راه‌های کشف ملاک

تعدی از نصوص شرعی فقط در صورتی جایز است که بر پایه فهم ملاک و مناط احکام شرع استوار باشد، ولی در فهم ملاک، نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ضابطه و صرفاً بر اساس سلیقه شخصی، بر وصف مشترک میان اصل و فرع تکیه کرد، بلکه لازم است اعتبار و حجیت وصف مشترک، از راه دلیل شرعی اثبات شود. در میان اندیشمندان شیعه، از این دلیل باعنوان «طرق تعدی از نصوص» (شعرانی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵) و در میان اهل سنت، باعنوان «طریق علت» یا «مسالك علت» (آمدی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۳/ زحیلی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۶۶۱/ خلاف، ۱۹۹۶، ص ۷۵) یاد می‌شود.

۱-۲. راه‌های شناخت علت حکم

به‌طور کلی برای شناخت علت حکم، دو راه وجود دارد:

۱. طرق قطعی: منظور از طرق قطعی کشف ملاک، راه‌هایی است که مجتهد را یقیناً به علت حکم می‌رساند؛ مانند تنقیح مناط قطعی، قیاس اولویت و قیاس مستنبط‌العله. هرگاه علت حکم به‌طور قطعی برای مجتهد روشن شود - از طریق قیاس یا از طریق عناوین دیگر - و تعدی از نصوص باعث دستیابی به علت قطعی شود، این یقین، به اتفاق اصولیون حجت است (حکیم، [بی‌تا]، ص ۳۲۵/ جمال‌الدین، ۱۹۷۵، ص ۲۵۱).

۲. طرق ظنی: منظور از طرق ظنی کشف ملاک، راه‌هایی است که به‌طور ظن و گمان، مجتهد

را به ملاک حکم رهنمون می‌سازند و خود بر دو قسم اند:

الف) طرق با پشتوانه قطعی: از نظر اصولیون هرگاه ملاک دستیابی به علت، ظن و گمان باشد، فقط در صورتی که اعتبار و حجیت آن با دلیل قطعی دیگری اثبات شود، ارزشمند و قابل استناد خواهد بود؛ مانند ملاک‌هایی که از ظواهر نصوص شرعی استخراج می‌گردد (جمال‌الدین، ۱۹۷۵، ص ۲۵۶/ حکیم، [بی‌تا]، ص ۳۳۱).

ب) طرق بدون پشتوانه قطعی: گاهی راه‌های رسیدن به ملاک حکم، از پشتوانه قطعی برخوردار نیستند، بلکه بیشتر بر ذوق و سلیقه شخصی افراد و ظن و گمان استوارند. به نظر اندیشمندان شیعه، چنین راه‌هایی فاقد اعتبارند؛ زیرا ملاک حکم، از طریق ذوق شخصی و بدون در نظر گرفتن ضابطه عقلایی قابل دستیابی نیست (جمال‌الدین، ۱۹۷۵، ص ۲۷۳/ صبحی حامد، [بی‌تا]، ص ۳۵/ بخاری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۵۷)؛ اگرچه برخی دیگر از آنان، گمان غالب مجتهد را معتبر می‌دانند (آمدی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۴/ ابن‌قدامه، ۱۴۱۹، ص ۱۶۵).

۲. ملاک‌های قرآنی مستخرج از آیات مربوط به قاعده لاضرر در حوزه خانواده

«قاعده لاضرر» از جمله مشهورترین قواعد فقهی است که مستند بسیاری مسائل فقهی محسوب می‌شود و در بسیاری از ابواب فقه از جمله عبادات، معاملات و... کاربرد دارد. از جمله آیات قرآنی که بر این قاعده دلالت دارند، عبارت‌اند از:

۲-۱. آیه «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره: ۲۳۳)

یکی از آیاتی که صراحتاً بر منع اضرار در حوزه خانواده دلالت دارد، آیه ۲۳۳ سوره بقره است که در ذیل بدان می‌پردازیم:

۲-۱-۱. شأن نزول آیه

یکی از زنان شیرده، همسر خویش را از نزدیکی منع می‌کرد و می‌گفت: «خوف آن دارم که باردار شوم و به خاطر مشغول شدن به بارداری و بی‌اعتنایی به بچه شیرخوار، باعث مرگ فرزند شیرخوارم شوم». مرد نیز همسر خود را از نزدیکی منع می‌کرد و می‌گفت: «با تو نزدیکی نمی‌کنم؛

زیرا خوف آن دارم که با بارداری تو، زمینه بی‌اعتنایی و کم‌توجهی به کودک شیرخوار خود را فراهم آورم و این، باعث مرگ فرزندم شود؛ از این‌رو از همسر خویش دوری و با او جماع نمی‌کرد؛ پس خداوند متعال، زن و شوهر را از ضررزدن به یکدیگر نهی فرمود (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۸/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۵۷/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۱/ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۰۷).

۲-۱-۲. ملاک‌های مستخرج از این آیه

ملاک‌های مستخرج از این آیه عبارت‌اند از:

الف) حفظ سلامت کودک، با تکمیل شیردهی به او تا سن دو سال: در آیه شریفه، خداوند متعال می‌فرماید: دوران شیردهی کامل مادران به فرزندان، دو سال تمام است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: هیچ شیرینی برای کودک شیرخوار، بهتر از شیر مادرش نیست (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۶/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۳۲۳). همچنین امام صادق ﷺ فرمود: هرگاه پدر و مادری با توافق یکدیگر پیش از تمام‌شدن دو سال، کودک را از شیر بگیرند، عمل پسندیده‌ای انجام داده‌اند (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۲/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۱/ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۵۸/ مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹۰/ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۱۰).

ب) پرداخت نفقه زن باردار و اجرت شیردهی به او، در حدّ متعارف: برای حفظ سلامت جنین در دوران بارداری، لازم است پدر، نفقه زن باردار را به میزان کفایت بپردازد و در صورتی که مادر در مقابل شیردادن به کودک، مطالبه اجرت کرد، اجرت او را به مقدار اجرتی که دایه برای شیردادن می‌گیرد، بپردازد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۶/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۳/ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۱۰/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۷۲/ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۶۲). در روایت از امام صادق ﷺ آمده است: هنگامی که مرد، زن باردار را طلاق داد، باید نفقه او را بدهد تا زن، وضع حمل کند و چون فرزند را به دنیا آورد، پاداش [شیردادن نوزاد را] بی‌آنکه به وی ضرری رساند، به او بدهد، مگر آنکه مرد، کسی را بیابد که اجر [شیردادن] او از آن زن کمتر باشد؛ پس اگر زن به آن مقدار مزد راضی شد، خود او [برای شیردهی] شایسته‌تر است (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۶/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۳).

ج) حق پدر و مادر در حضانت فرزند: از جمله مسئولیت‌های مشترک پدر و مادر، حضانت و مراقبت از سلامت جسمانی و روانی کودک و پرورش فکری و تربیت دینی و اخلاقی اوست؛

چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: تازمانی که طفل شیرخوار است، حق نگهداری او با هر دو همسر به‌طور برابر است و چون او را از شیر بازگیرند، پدر به حضانت و نگهداری او سزاوارتر از مادر است و چنان‌چه پدر از دنیا برود، مادر از همه فامیل پدری به نگهداری فرزند اولی‌تر است (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۶/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۵/ ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۳۴/ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۲۰/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۷۰).

د) حفظ سلامت جنین، با پرهیز از آمیزش در حین بارداری: نباید از ناحیه پدر و مادر به فرزند یا از ناحیه فرزند به پدر و مادر، ضرری وارد آید؛ چنان‌که در روایت آمده است: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «لَا تُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بَوْلِهِ» پرسیدند. حضرت پاسخ داد: «منظور، آمیزش است [اینکه در حال حاملگی به سبب آمیزش، جنین آسیب ببیند]» (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۸/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹۴/ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰).

ه) توجه زوجین به نیازهای جنسی یکدیگر، در دوران شیرخوارگی کودک: زوجین نباید به‌بهانه شیردادن به کودک، یکدیگر را از تأمین نیازهای جنسی محروم کنند؛ چنان‌چه امام صادق علیه السلام فرمود: زنی از ما هنگامی که همسرش می‌خواست با او نزدیکی کند، امتناع می‌کرد و می‌گفت: «به تو اجازه نزدیکی نمی‌دهم؛ زیرا خوف آن دارم که باردار شوم و به‌خاطر مشغول‌شدن به بارداری و بی‌اعتنایی به بچه شیرخوار، باعث مرگ فرزند شیرخوارم شوم». مرد نیز همسر خود را از نزدیکی منع می‌کرد و می‌گفت: «با تو نزدیکی نمی‌کنم؛ زیرا خوف آن دارم که با بارداری تو، زمینه بی‌اعتنایی و کم‌توجهی به کودک شیرخوار خود را فراهم آورم و این، باعث مرگ فرزندم شود»؛ از این‌رو از همسر خویش دوری و با او جماع نمی‌کرد؛ پس خداوند متعال، زن و شوهر را از ضررزدن به یکدیگر نهی فرمود (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۸/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۳/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۵۸/ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۶/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۵۸).

و) پرداخت نفقه طفل شیرخوار از سوی وارث، در صورت فوت پدر: پدر وظیفه دارد در دوران شیردهی، خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته تأمین کند و در صورت فوت پدر، این وظیفه برعهده وارث نهاده شده است و وارث نباید با کوتاهی در پرداخت نفقه کودک شیرخوار، موجبات ضرر به کودک را فراهم آورد. همچنین ولیّ کودک وظیفه دارد ملزومات کودک را به‌نحو شایسته‌ای فراهم سازد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۸/ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۶/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۵۸). در

روایت دیگری آمده است: خداوند نهی فرمود از اینکه به واسطه شیردادن، وارث، به مادر یا کودکش ضرری وارد کند. افزون بر اینکه مادر نباید کودکش را بیشتر از دو سال شیر دهد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۰/ کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۱/ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۵۸/ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۱۰/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۵۵).

ز) حق مادر و کودک در ملاقات یکدیگر، پس از فوت پدر: مادر و کودک حق دارند پس از فوت پدر، از ملاقات یکدیگر بهره‌مند شوند؛ چنانچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وارث نباید به وسیله منع مادر از ملاقات کودک، به او ضرری وارد کند یا اگر مالی از کودک نزد وارث است، وارث نباید با سخت‌گیری در معیشت، به کودک ضرر برساند (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۰/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۷۵/ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۱/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۵۲۸).

ح) انتخاب دایه شایسته برای شیردادن به فرزند: از آنجاکه خصوصیات دایه، با شیردادن به فرزند منتقل می‌شود، پدر و مادر وظیفه دارند دایه شایسته‌ای را برای شیردادن به کودک انتخاب کنند؛ چنانچه رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: دایه کم‌عقل و زنی که دچار ضعف چشم است را برای شیردادن فرزند انتخاب نکنید؛ زیرا شیر [آن امراض را] سرایت می‌دهد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۲/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۳۲۳/ حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ص ۱۵).

ط) رفتار عادلانه با زنان: در زندگی مشترک، حق زنان باید به‌نحو شایسته رعایت شود و از تضییع حقوق آنان جلوگیری شود؛ چنانچه رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمود: درباره زنان از خدا بترسید و پرهیزکار باشید و به‌خوبی درباره آنان سفارش و وصیت کنید (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۰۲/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۴۸).

۲-۲. چگونگی استدلال به این آیه در حوزه خانواده

اگرچه آیه شریفه اشاره‌ای به ضرری دارد که با قطع شیردادن به کودک، بر کودک تحمیل می‌شود، ولی می‌توان این‌گونه استنباط کرد که هر ضرری که از طریق والدین بر فرزند وارد می‌شود، به‌موجب شرع اسلام نهی شده است؛ اعم از اینکه این ضرر، گرفتن کودک از مادر به‌وسیله پدر باشد، یا مادری کمتر از دو سال به فرزندش شیر دهد یا پدری با ترک انفاق و پرداخت هزینه‌های زندگی فرزند، مادر و فرزند را در حال سختی و مشقت قرار دهد یا مادری به‌خاطر غضب نسبت به پدر فرزند، از شیردادن به فرزند امتناع کند. ضابطه ضرر در برخی از مصادیق مذکور، سوء استفاده پدر از حق ابوت و ولایت خود در خانواده می‌باشد و در برخی دیگر، کوتاهی والدین در انجام

مسئولیت‌های والدینی و تربیت دینی و اخلاقی فرزندان است. اکنون اگر در زندگی خانوادگی، مسائلی به‌وقوع بپیوندد که مستلزم ورود ضرر به فرزند باشد، طبق آیه شریفه منتفی خواهد بود.

۲-۳. ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده (مبتنی بر شأن نزول این آیه)

برخی ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده با توجه به شأن نزول این آیه عبارت‌اند از:

الف) رعایت مصلحت کودک: معیار رفتار والدین با فرزند باید رعایت مصلحت فرزند باشد. گاهی مادر به‌سبب ممانعت از شیردادن به فرزند، باعث اضرار فرزند می‌شود؛ به‌این‌دلیل که یا نسبت به پدر فرزند غضب دارد و همین مسئله باعث ممانعت او از شیردادن به فرزند می‌شود، یا به‌واسطه طلاق و جدایی مادر از فرزند، فرزند از شیر مادر محروم می‌شود.

ب) رعایت اعتدال در روابط درون‌خانوادگی: معیار رفتارهای والدین در زندگی خانوادگی باید رعایت اعتدال باشد. گاهی تولد فرزندان در خانواده باعث اضرار به پدر یا مادر می‌شود؛ بدین‌گونه که یا مرد به‌جهت جلوگیری از بارداری زوجه، از برقراری روابط غریزی عاطفی (روابط زناشویی) ممانعت می‌کند یا زن به‌دلیل جلوگیری از احتمال بارداری یا به‌جهت شیردادن به بچه، از تمکین جنسی از همسر ممانعت می‌کند.

ج) رفتار عادلانه، منصفانه و متناسب با مهارت‌های نوین آموزشی و پرورشی: از جمله مسئولیت‌های پدر و مادر در مقابل فرزند، مراقبت از سلامت جسمانی و روانی، تربیت دینی، اخلاقی و پرورش فکری کودکان می‌باشد. گاهی والدین به‌جهت اشتغال ذهنی به تأمین مسائل رفاهی و اقتصادی، از تربیت دینی و اخلاقی فرزندان غافل می‌شوند و بدین‌جهت از نظر معنوی و انتقال باورها و ارزش‌های دینی، منشأ ضرر فرزندان می‌شوند، یا اینکه والدین با تأکید بر تک‌فرزندی و ممانعت از فرزندآوری، از لحاظ عاطفی و روانی، منشأ ضرر فرزند خود می‌شوند و او را از نعمت داشتن خواهر و برادر و بهره‌مندی از محبت آنها و... محروم می‌کنند.

د) حق ولایت و ابوت پدر در خانواده: به‌موجب شرع مقدس اسلام، پدر به‌جهت تأمین معاش فرزندان، از حق ولایت بر فرزندان برخوردار است. فرزندان تا زمانی که به سن بلوغ و رشد عقلی لازم نرسیده‌اند، تحت ولایت پدرند و تصمیم‌گیری در امور مهم زندگی آنها و سرپرستی اموال‌شان برعهده پدر و جد پدری است. گاهی پدر یا جد پدری، منشأ ضرر به فرزند می‌شوند؛ این‌گونه که پس از فوت پدر، حضانت فرزند به مادر سپرده می‌شود، ولی قیمومیت بر اموال برعهده جد پدری

است و جدّ پدري به دليل كهولت سن يا ابتلا به امراضى همچون آلزایمر و... به خوبى از عهده اين مسئوليت برنمى آيد يا پدر به جهت برخوردارى از حق ولايت در ازدواج فرزند دختر، گاهى به دليل واهى يا مادى، مانع ازدواج فرزند مى شود و از اين طريق، او را از نعمت تشكيل خانواده و پاسخ گويى به نيازهاى عاطفى و جنسى از راه مشروع، محروم مى كند.

۲-۲. آيه «وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره: ۲۳۱)

از ديگر آياتى كه بر منع اضرار در حوزه خانواده دلالت دارد، آيه ۲۳۱ سوره بقره است كه در مطالب آتى بدان اشاره خواهد شد:

۲-۲-۱. شأن نزول آيه

به نقل از عوفى از ابن عباس روايت شده است كه او ايل امر، مسلمانان وقتى زنان خویش را طلاق مى دادند، پيش از انقضای مدت عده، مراجعه مى كردند و اين كار را به دفعات گوناگون انجام مى دادند و از اين راه اسباب اذيت و آزار زنان را فراهم مى آوردند تا اينكه خداوند اين آيه شريفه را نازل فرمود (طبرى، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۰) و درباره اين قسمت از آيه: «وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا»، عبادة بن الصامت و ابن عباس از سدى نقل كردند كه درباره يكي از انصار به نام ثابت بن يسار نازل گرديد كه زن خود را طلاق مى داد، سپس دو روز به پايان مدت عده به وي مراجعه مى كرد و پس از آن باز هم طلاق مى داد و مجدد دو يا سه روز به پايان عده، مراجعه مى نمود و از اين راه اسباب ضرر و زيان و ايداء آن زن را فراهم مى آورد. خداوند با نزول آيه شريفه، مسلمانان را تهديد كرد و دستور داد كه از اين رفتار دست بردارند (سيوطى، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۸۲). درباره اين قسمت از آيه: «وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا»، عبادة بن الصامت و ابن عباس از ابوالدرداء روايت کرده اند كه مسلمانان زنان خویش را طلاق مى دادند و مى گفتند: منظور ما از اين عمل، تفريح و شوخى است و سپس رجوع مى كردند و باز هم طلاق مى دادند تا اينكه آيه شريفه به منظور جلوگیری از اين گونه اعمال نازل گرديد (طبرى، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۴).

۲-۲-۲. ملاكهاى مستخرج از اين آيه

ملاكهاى مستخرج از اين آيه عبارت اند از:

الف) امساک زنان به نحو شایسته یا تسریح آنها به نحو نیکو: در آیه شریفه، خداوند متعال می‌فرماید: هرگاه زنان را طلاق دادید و نزدیک به آخر رسیدن زمان عده آنها بود، یا با آنها آشتی کنید و به شکل شایسته‌ای آنها را نگه دارید یا به طریق نیکو از آنها جدا شوید و صرفاً به دلیل ضررزدن و تجاوز به حقوق‌شان آنها را نگه ندارید و هرکس این‌گونه کند، درحقیقت بر خود ستم کرده است؛ چنان‌که در روایت آمده است: اگر مردی زن خود را طلاق داد، چنان‌چه او را نمی‌خواهد، جایز نیست رجوع کند و ضرری به زن برساند و این قول خداوند است: «وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا» یعنی او را زندانی نکند (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۲/قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۶/حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۱). مقصود آن است که مرد، زوجه‌اش را طلاق می‌دهد و صبر می‌کند هنگامی که نزدیک تمام شدن عده اوست، رجوع می‌کند؛ سپس او را طلاق می‌دهد و این کار را سه مرتبه تکرار می‌کند. خداوند عزّوجلّ با این آیه، از چنین عملی نهی فرموده است (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۲/ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۰۱/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۵۷/حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۲/عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹).

ب) منع از سه طلاقه، شش طلاقه و نه طلاقه کردن زنان به قصد اضرار به آنها: گاهی مردان به قصد اضرار به زنان، به دفعات آنان را طلاق می‌دادند؛ به گونه‌ای که در سه طلاقه و شش طلاقه، برای اینکه زن بتواند مجدداً با همسر اولش ازدواج کند، نیاز به محلل بود و لازم بود زن با مرد دیگری ازدواج کند و از او طلاق بگیرد تا بتواند با همسر اولش ازدواج کند و این روند ادامه داشت تا اینکه در طلاق نهم، زن بر همسرش حرام مؤبد می‌شد. از این کار، به ظلم در حق خویش‌تن تعبیر شده است؛ چنان‌چه امام باقر^{علیه السلام} و امام صادق^{علیه السلام} در مورد سخن خداوند: «وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» فرمودند: هرکس چنین کاری را انجام دهد، به خویش ظلم کرده است:

[این آیه درباره مردی است که] چون تصمیم گرفت زن را طلاق دهد، یک بار او را طلاق دهد، سپس او را ترک کند. سپس زمانی که نزدیک است که عده زن به پایان برسد، به زن رجوع کند، درحالی که هیچ نیازی به او ندارد. سپس مانند دفعه پیش او را طلاق دهد و دوباره نزدیک انقضای مدت عده، به زن رجوع کند، درحالی که احتیاج به او ندارد و [این مرد] فقط برای آنکه عده زن را طولانی کرده و به وسیله آن به وی ضرر بزند، چنین می‌کند؛ پس خداوند عزّوجلّ انجام این عمل را نهی فرمود (برازش، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۹۴/نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۳۴۲/مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹۴).

۲-۲-۳. چگونگی استدلال به این آیه در حوزه خانواده

به موجب آیه شریفه، هرگونه رفتار ازسوی مردان که مستلزم ورود ضرر به زن باشد، مورد نهی قرار گرفته است؛ چه این رفتار، ترک حُسن معاشرت با زن و بی‌اعتنایی عاطفی به او باشد، یا تحت فشار قراردادن زن برای رضایت به طلاق در قبال صرف نظرکردن از حقوق شرعی و قانونی خود باشد؛ چنانچه ضابطه ضرر در برخی مصادیق ذکرشده، سوء استفاده مردان از حق خود در طلاق، به جهت اضرار مادی و تضییع حقوق زنان و در برخی دیگر، سوء استفاده مردان از حق خود در طلاق، به جهت اضرار معنوی بر زنان است.

۲-۲-۴. ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده (مبتنی بر شأن نزول این آیه)

برخی ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده، باتوجه به شأن نزول این آیه عبارت‌اند از:

الف) حُسن معاشرت زوجین با یکدیگر و برآورده کردن نیازهای مشروع و قانونی یکدیگر: ملاک رفتار زوجین در زندگی خانوادگی، باید حُسن معاشرت با یکدیگر و پاسخ‌گویی به نیازهای مشروع و قانونی یکدیگر باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر به این نتیجه برسند که چاره‌ای جز طلاق و جدایی نیست، وقوع طلاق نیز باید به نیکی و خوشرفتاری با یکدیگر باشد، ولی گاهی مردان به قصد اضرار به زنان، به امساک زنان اقدام می‌کنند، درحالی‌که قصدشان به‌بازی گرفتن زندگی و اذیت و آزار آنها می‌باشد؛ مانند اینکه زنان‌شان را طلاق رجعی می‌دهند، سپس در عده به آنها رجوع می‌کنند، اما نه به جهت علاقه و رغبت به زندگی مشترک با آنها، بلکه به جهت طولانی شدن عده و فرآیند طلاق تا زنان را از حق مشروع آنها بر ازدواج مجدد محروم کنند و آنها را از این راه بی‌بازارند؛ ازجمله سه‌طلاقه یا شش‌طلاقه کردن زنان که مردان به همسران‌شان رجوع می‌کردند و رابطه زناشویی با آنها برقرار می‌کردند، سپس آنها را طلاق می‌دادند و پس از سه‌طلاق و شش‌طلاق، برای اینکه زنان بتوانند مجدداً با همسر اول‌شان زندگی کنند، مجبور بودند با مرد دیگری به‌عنوان محلل ازدواج کنند و رابطه زناشویی برقرار کنند تا مجدداً بتوانند با همسر اول‌شان ازدواج کنند و نهایت اینکه در طلاق نهم، بر همسران‌شان حرام ابدی می‌شدند و این ضرر بر آنها به‌شمار می‌آمد؛ زیرا در این مدت، زندگی آنها به‌بازی گرفته شده بود.

ب) جلوگیری از افراط و تفریط در پرداخت حقوق زوجه: ازجمله شروط ثبت واقعه طلاق،

پرداخت حقوق مشروع و قانونی زوجه از سوی زوج است؛ بنابراین مردان باید از افراط و تفریط و تقصیر در مسئولیتی که نسبت به زنان دارند، بپرهیزند؛ از جمله اینکه نیازهای زنان را از نظر محبت و حُسن خلق و مدارا با آنها برآورده کنند و حق و حقوق قانونی و شرعی (نفقه و مهریه) آنها را بپردازند. گاهی مردان به قصد اضرار به زنان، نسبت به حقوق زنان تعدی کرده و حق و حقوق آنها را تضییع می‌کنند؛ مانند اینکه از نظر تأمین عاطفی، حُسن خُلق با همسر و پرداخت نفقه، در حق آنان کوتاهی می‌کنند تا زنان یا از همه حق و حقوق خود بگذرند و راضی به طلاق شوند، یا به طلاق خُلع روی بیاورند و گاهی مجبور شوند حتی مبلغی بیشتر از مهریه بپردازند تا طلاق بگیرند که این امر، مصداق تعدی بر زنان و اضرار به آنهاست.

۲.۳. آیه «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق: ۶)

آیه دیگری که بر منع اضرار در حوزه خانواده دلالت دارد، آیه ۶ سوره طلاق است که در مباحث آتی بدان خواهیم پرداخت:

۲.۳.۱. شأن نزول آیه

برخی مردان هنگامی که زن خویش را طلاق می‌دادند، به او ضرر می‌رساندند؛ بدین گونه که با اسکان آنها در مکان‌های نامناسب، عرصه را بر وی تنگ می‌کردند تا او مجبور شود پیش از به اتمام رساندن عده خویش، آنجا را ترک کند. خداوند عزوجل، مردان را از این امر نهی کرد و فرمود: «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۶، ص ۳۶۲/حزّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۲، ص ۲۱۳/کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۲۳).

۲.۳.۲. ملاک‌های مستخرج از آیه

ملاک‌های مستخرج از آیه عبارت‌اند از:

الف) تأمین نفقه و مسکن مناسب برای زنان مطلقه، در زمان عده رجعی: در آیه شریفه خطاب به مردان می‌فرماید: آنان [زنان مطلقه] را هرچاکه خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست، سکونت دهید تا به دلیل تنگی مکان، مجبور به ترک خانه‌های شما نشوند. در روایت آمده است: زن مطلقه‌ای که همسرش بر وی حق رجوع دارد، تا زمانی که در عده باشد، باید همسرش نفقه و

مسکن وی را تأمین کند و اگر باردار بود، تا زمان وضع حمل وی باید خرجش را بدهد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۶، ص ۳۶۲/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۸۶).

ب) حق زن باردار بر سکونت در منزل شوهر، در زمان عده طلاق: حکم سکونت در منزل شوهر در زمان عده، مربوط به عده طلاق اول و دوم است و در طلاق سوم، به شرط باردار بودن، زن از حق سکونت برخوردار می‌شود (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۶، ص ۳۶۴/کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۰۴).

ج) حُسن معاشرت با زنان، در زمان عده رجعی: هنگامی که زن در ایام عده، در منزل همسر به سر می‌برد، مرد باید با او به نحو شایسته‌ای رفتار کند تا زن مجبور به ترک منزل شوهر نشود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مرد هنگامی که زن خویش را طلاق داد، به او ضرر نرساند که عرصه بر وی تنگ گردد که مجبور شود پیش از به اتمام رساندن عده خویش آنجا را ترک کند (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۶، ص ۳۶۲/کلینی رازی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۲۳/حرّ عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۲، ص ۲۱۳).

۲-۳-۳. چگونگی استدلال به این آیه در حوزه خانواده

اگرچه آیه شریفه به شرایطی اشاره دارد که زن در عده طلاق رجعی باشد و برای سپری شدن مدت عده، در منزل شوهر سکونت کرده باشد و در آیه، مردان را نهی کرده است از اینکه با اسکان زنان در مکان‌های تنگ و کوچک، موجبات آزار و به‌سختی افتادن زنان را فراهم کنند، ولی در حوزه خانواده به‌طور کلی این‌گونه می‌توان استنباط کرد که چنانچه مردی در وسعت مالی باشد، ولی در تأمین هزینه‌های زندگی بر همسرش سخت بگیرد و او را در تنگنا قرار دهد، به‌گونه‌ای که زن به‌سختی گذران زندگی کند، این مورد، مصداق ضرر است که به‌موجب آیه نفی شده است؛ چنانچه ضابطه ضرر در برخی از مصادیق ذکر شده، در مضیقه قراردادن زنان از لحاظ مالی بوده و در برخی دیگر، در مضیقه قراردادن زنان از لحاظ مکان اسکان است.

۲-۳-۴. ضوابط اِعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده (مبتنی بر شأن نزول این آیه)

ضابطه اِعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده، باتوجه به شأن نزول آیه شریفه عبارت است از: ملائت و توانمندی مالی زوج در تحت تکفل قراردادن همزمان زوجه و والدین و سازگاری خُلقی میان آنها: از نظر شرع مقدس اسلام، مرد به پرداخت نفقه زن در حدّ شأن او موظف است و پرداخت نفقه باید باتوجه به عرف و در حدّ نفقه اقران و امثال زن باشد. گاهی مردان به‌رغم عدم

تمکن مالی یا سازگاری اخلاقی میان زوجه با پدر و مادرشان، اقدام به تأمین هزینه‌های زندگی والدین خود یا اسکان آنها در منزلی مشترک با زوجه می‌کنند و از این راه، به همسرشان ضرر وارد می‌آورند؛ هم به جهت در مضیقه قراردادن زوجه از جهت تأمین نیازهای مالی وی و هم از جهت در سختی قراردادن زن از جهت مکان اسکان که این امر، ضرری بر زن به‌شمار می‌آید.

۲-۴. آیه «مَنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ» (نساء: ۱۲)

آیه دیگری که بر منع اضرار در حوزه خانواده دلالت دارد، آیه ۱۲ سوره نساء است:

۴-۱. شأن نزول آیه

دو شأن نزول درباره آیه شریفه گفته شده است: عبدالرحمن بن ثابت انصاری برادر حسان بن ثابت شاعر معروف صدر اسلام، از دنیا رفت، درحالی که یک همسر و پنج برادر از او به‌یادگار مانده بود. برادران، میراث عبد الرحمن را در میان خویش قسمت کردند و به همسر او چیزی ندادند. او جریان را به خدمت پیامبر ﷺ عرض کرد و از آنها شکایت کرد. در این هنگام آیات مذکور نازل شد و در آن، میراث همسران دقیقاً تعیین گردید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۸۵/سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴۳). از جابر بن عبد الله نقل شده است: بیمار شده بودم. پیامبر ﷺ از من عیادت کرد. من بی‌هوش بودم. پیامبر ﷺ آبی خواست، با مقداری از آن وضو گرفت و بقیه را بر من پاشید. من به‌هوش آمدم، عرض کردم: ای رسول خدا! تکلیف اموال من پس از من چه خواهد شد؟ پیامبر ﷺ خاموش گشت. چیزی نگذشت که آیات مذکور نازل گردید و سهم وراثت در آن تعیین شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۴/واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹، ص ۹۶/امامی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵).

۴-۲. ملاک‌های مستخرج از این آیه

ملاک‌های مستخرج از آیه شریفه عبارت‌اند از:

- الف) میراث زنان و مردان از اموال یکدیگر: در این آیه، میزان میراث زن و شوهر از اموال یکدیگر مشخص شده است. امام باقر ﷺ می‌فرماید: خداوند، شوهر و زن را در همه ارث‌ها وارد کرده است و از سهم یک‌چهارم و یک‌هشتم آنان نکاسته است (برازش، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۷۲).
- ب) عمل به وصیت و ادای دین، پیش از تقسیم میراث، به شرط عدم اضرار به ورثه: اگر مورث،

به چیزی وصیت کرده یا اقرار به دینی کرده باشد، فقط در صورتی به آن عمل می‌شود که وصیت و اقرار به دین، به حق باشد، نه اینکه از باب اضرار به ورثه، چنین وصیت یا اقراری کرده باشد. در روایت آمده است:

هرکس وصیتی بکند که [به واسطه انجام آن، به ورثه از لحاظ تقسیم ارث و سهم‌ها] ضرری برسد، اعمال آن وصیت مجاز نیست و استناد این حرف به دلیل قول خداوند متعال، *غَيْرُ مُضَارٍّ* می‌باشد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۷۸/ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۰۳).

۳-۴. چگونگی استدلال به این آیه در حوزه خانواده

آیه شریفه به وصیت یا اقرار به دینی اشاره دارد که به ضرر ورثه باشد و از آن نهی کرده است. گاهی در زندگی خانوادگی شرایطی پیش می‌آید که میان اعضای خانواده، نزاع‌های مالی به وقوع می‌پیوندد و صفا و صمیمیت، جای خویش را به کینه و انتقام‌جویی و حس رقابت می‌دهد؛ چنان‌چه ضابطه ضرر در مصداق مذکور، ترجیح دادن برخی وراثت بر یکدیگر و محروم کردن برخی دیگر است.

۴-۴. ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده (مبتنی بر شأن نزول این آیه)

برخی ضوابط اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده، با توجه به شأن نزول آیه شریفه عبارت‌اند از:

الف) رعایت عدالت در وصیت یا اقرار به دین: طبق شرع مقدس اسلام، هر مورثی می‌تواند تا یک‌سوم اموال خویش را به نفع هرکس که می‌خواهد، وصیت کند. همچنین وظیفه دارد اگر دینی بر گردن دارد، در وصیت‌نامه بدان اشاره کند تا پیش از تقسیم اموال میان وراثت، نخست دین و بدهی او پرداخته شود. گاهی در زندگی خانوادگی، زوجین اعم از زنان و مردان، به قصد اضرار به ورثه، به دروغ اقرار به دینی به نفع دیگری می‌کنند تا وراثت را از ارث محروم کنند یا از سهم‌الارث آنها بکاهند یا از راه ترجیح دادن برخی وراثت بر دیگری، در وصیت به نفع آنها موجبات کینه و دشمنی را میان آنها فراهم می‌کنند؛ این امر ضرری است که به موجب آیه نفی شده است.

ب) پرهیز از نزاع‌های مالی در محیط خانواده: طبق شرع اسلام، اگر کسی قصد هبه اموال میان فرزندان را در زمان حیات دارد، بهتر است برای جلوگیری از اختلاف و تفرقه و دشمنی

میان فرزندان، از ترجیح دادن برخی فرزندان بر دیگری یا محروم کردن برخی از آنها بپرهیزد و اموالش را به تساوی میان فرزندان اعم از دختر و پسر تقسیم کند (قاروبی تبریزی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۵۱۸)، ولی اگر قصد ندارد اموال را به طور برابر میان فرزندان تقسیم کند، بهتر است تقسیم اموال را به پس از فوتش موقوف کند تا مطابق قانون خدا عمل شود و حق کسی ضایع نگردد؛ چنانچه بر طبق کتاب خدا، در تقسیم ارث، پسر دو برابر دختر ارث ببرد و از نزاعهای مالی در محیط خانواده جلوگیری شود.

نتیجه

یکی از مباحث مهم در اسلام، حفظ استحکام خانواده و جلوگیری از تزلزل و فروپاشی آن است. اکنون در فرآیند تشکیل خانواده و حیات و انحلال آن، ممکن است بروز برخی رفتارها آسیب‌هایی را برای اعضای خانواده به دنبال داشته باشد که این آسیب‌ها در سایه شأن نزول آیات مربوط به قاعده لاضرر، قابل شناسایی است و می‌توان با استخراج ضابطه قوی و منطقی از این آیات، جلو هر رفتاری که باعث ضرر در حوزه خانواده شود را گرفت و مبتنی بر این ضوابط قوی و منطقی، با بازنگری در قوانین، به قانونگذاری جدید در این باره پرداخت و در سایه فقه پویا و تأثیر زمان و مکان در اجتهاد، از دریچه‌ای نو به این مسائل نگریست. آنچه از بررسی آیات قرآنی مرتبط با حوزه خانواده به دست آمد اینکه مبتنی بر شأن نزول آیه، یک‌سری ملاک‌ها از جمله رعایت مصلحت در حضانت کودک، رعایت اعتدال در روابط خانوادگی، توجه زوجین به نیازهای جنسی یکدیگر، امساک زنان به نحو شایسته یا تسریح آنان به نحو نیکو و... از آیات قرآن کریم قابل استخراج است که ملاک و معیار عمل در حوزه خانواده قرار می‌گیرد. در مقابل، ارتکاب هرگونه رفتار که خارج از این ملاک‌ها صورت گیرد و مصداق ورود ضرر بر خانواده باشد، می‌تواند به عنوان ضابطه و معیار اعمال قاعده لاضرر در حوزه خانواده قرار گیرد.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم؛ کفایة الأصول؛ ج ۲، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۲. آمدی، سیف‌الدین ابوالحسن؛ الأحكام فی أصول الأحكام؛ ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ق.
۳. ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین؛ عوالی‌اللتالی؛ قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن‌بابویه قمی، محمدبن‌علی؛ من لایحضره‌الفقیه؛ ج ۳، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن‌قدمه، عبدالله‌بن‌احمد؛ روضة‌الناظر و جنة‌المناظر فی أصول‌الفقه؛ عربستان: مؤسسة الریان للطباعة والنشر، ۱۴۰۹ق.
۶. امامی، محمدجعفر؛ شأن نزول آیات قرآن (برگرفته از کتاب تفسیر نمونه)؛ قم: انتشارات امام علی‌بن‌ابی‌طالب، ۱۳۸۸.
۷. انصاری، مرتضی؛ المکاسب؛ ج ۲، تهران: چاپ سنگی، ۱۲۶۸.
۸. بخاری، عبدالعزیزبن‌احمد؛ کشف‌الأسرار عن أصول فخرالإسلام البزدوی؛ ج ۲، قاهره: الفاروق الحدیثه، [بی‌تا].
۹. برازش، علی؛ تفسیر اهل بیت؛ ج ۲، ۳ و ۱۶، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۶.
۱۰. تبریزی، میرزا موسی؛ اوثق‌الوسایل فی شرح‌الرسائل؛ قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹.
۱۱. جمال‌الدین، مصطفی؛ القیاس حقیقته و حجثیه؛ بغداد: [بی‌تا]، ۱۹۷۵.
۱۲. حرّ عاملی، محمد؛ وسائل‌الشیعة؛ ج ۲۰، ۲۱ و ۲۲، چ ۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۱.
۱۳. حکیم، محمدتقی؛ الأصول‌الفقه‌العامه للفقہ‌المقارن؛ قم: آل‌البيت، [بی‌تا].
۱۴. خلاف، عبدالوهاب؛ علم‌إصول‌الفقه؛ مصر: دارالفکر، ۱۹۹۶.
۱۵. خوانساری نجفی؛ موسی؛ منیة‌الطالب «تقریرات درس میرزای نائینی»؛ نجف: المرتضویه، ۱۳۵۷.
۱۶. زحیلی، وهبه؛ أصول‌الفقه‌الإسلامی؛ ج ۲، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن ابن‌ابی‌بکر؛ الدرّ‌المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ج ۱ و ۲، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

١٨. شعراني، ميرزا ابي الحسن؛ المدخل الى عذب المنهل في أصول الفقه؛ قم: كنگره شيخ انصاري، ١٣٧٢.
١٩. صبحي حامد، عبدالسلام؛ «دفع القياس بدفع علتة»، مجله دانشكده شريعت؛ ش ٥، [بى تا]، ص ٢٥-٣٢.
٢٠. طبرسى، فضل بن حسن؛ مجمع البيان؛ ج ٤ و ٧، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢.
٢١. طبرى، محمد بن جرير؛ جامع البيان؛ ج ٥، بيروت: دارالمعرفه، ١٤١٢ق.
٢٢. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن؛ الاستبصار؛ ج ٣، تهران: دارالكتب، ١٣٦٣.
٢٣. —؛ تهذيب الأحكام؛ ج ٨، تهران: دارالكتب، ١٣٦٤.
٢٤. عياشى، محمد بن مسعود؛ تفسير العياشى؛ ج ١، تهران: مكتب العلميه الإسلاميه، ١٣٨٠.
٢٥. فاضل تونى، عبدالله بن محمد؛ الوافيه في أصول الفقه؛ قم: مجمع الفكر الإسلامى، ١٤١٢ق.
٢٦. قاروبى تبريزى، شيخ حسن؛ النضيد فى شرح روضة الشهيد؛ ج ٩، قم: انتشارات داورى، ١٤٢٣ق.
٢٧. قرشى، باقر شريف؛ حياة الإمام الحسن العسكري؛ [بى جا]: دارالاضواء، ١٤٠٩ق.
٢٨. قطب راوندى، سعيد بن هبة الله؛ فقه القرآن؛ محقق سيد احمد حسيني و سيد محمود مرعشى؛ ج ٢، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٥ق.
٢٩. قمى، على بن ابراهيم؛ تفسير القمى؛ ج ١، قم: دارالكتاب، ١٤٠٤ق.
٣٠. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافي؛ ج ٦، تهران: دارالكتاب، ١٤٠٧ق.
٣١. مجلسى، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ ج ٧٣، ١٠٠ و ١٠١، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٣٢. محقق داماد، سيد مصطفى؛ قواعد فقه؛ تهران: علوم اسلامى، ١٣٧٦.
٣٣. مغربى، قاضى نعمان؛ دعائم الإسلام؛ ج ٢، قم: آل البيت، ١٣٨٥.
٣٤. مكارم شيرازى، ناصر؛ القواعد الفقهية؛ ج ١، قم: مدرسه الإمام اميرالمؤمنين، ١٤١١ق.
٣٥. نورى طبرسى، حسين؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ١٥، بيروت: آل البيت، ١٤٠٨ق.
٣٦. واحدى نيشابورى، على بن احمد؛ أسباب النزول القرآن؛ لبنان: دارالكتب العلميه، ١٤١٩ق.